

مقاله پژوهشی

رویکرد اصالت‌الوجودی به هویت سیمای شهری*

رضا کسروی

دکتری معماری منظر، دانشکده معماری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

سیدامیر منصوری**

استادیار دانشکده معماری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

ناصر براتی

دانشیار دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران.

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۲/۲۰

تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۳/۲۷

تاریخ قرارگیری روی سایت: ۹۹/۰۷/۰۱

چکیده | تفاوت کالبد امروز و دیروز شهر ایرانی و هزارچهره بودن سیمای شهری امروز، نزد برخی از منتقدان معماری و شهرسازی به بی‌هویتی یا بحران هویت تعبیر می‌شود. در این میان، از میان رفتن کالبد شهرهای سنتی و به‌وجود آمدن تفاوت زیاد در سیمای شهری از نظر فرم، مصالح و رنگ بناها در مقایسه با گذشته دلیل موجه از دست رفتن هویت ارزیابی می‌شود. گویی که اثبات هویت‌مندی سیمای یک شهر منوط به حفظ نشانه‌های کالبدی گذشته است و دگرگونی و تغییر کالبدی با حفظ تشخیص یا هویت سازگار نیست، تا جایی که از آن به بحران یاد می‌شود و مدیریت شهری را به صرف هزینه‌های فراوان برای احیای هویت از دست‌رفته یا دچار بحران وامی‌دارد. پرسش این مقاله چرایی این برداشت نزد متخصصان و متولیان سیمای شهری در لایه فلسفی است. این تحقیق کیفی با رجوع به شرح نظرات ملاصدرا در منابع مکتوب و نتیجه‌گیری از طریق استدلال عقلی و فلسفی به پاسخ می‌پردازد. ابداع فلسفی ملاصدرا یعنی «اصالت وجود» در مقابل «اصالت ماهیت» نشان می‌دهد که هویت، امری از سنخ وجود است. تبیین حرکت در جوهر شی به معنای نفی ثبات و ایستایی و اثبات سیالیت و پویایی در «هویت» است. یعنی برای هویت‌مندی سیمای شهری به جای تکیه بر شاخصه‌های ماهیت از قبیل شکل، رنگ و مصالح معین و ثابت، باید به دنبال صفات وجودی مثل انسان‌واری، نظم و حق‌مداری بود که در تحولات زمان‌مند کالبد شهر ملازم آن بوده‌اند. به‌همین ترتیب بحران هویت را باید در فقدان صفاتی از قبیل تکثر و نظم و تحمیل ثبات و ایستایی به آن جستجو کرد. از همین‌رو راه‌حل‌های این رویکرد در مقابل رویکرد اصالت ماهیت، غیرکالبدی و در واقع، معرفتی است. از این منظر طرح‌های ساماندهی کالبد که با توجیه هویتی به دنبال بازگرداندن و تکرار شکل، مصالح و رنگ‌های گذشته به آن هستند، مبنای مستحکمی ندارند.

واژگان کلیدی | هویت، بحران، سیمای شهری، اصالت وجود.

اندیشمندان از جمله فیلسوفان، انسان‌شناسان و جامعه‌شناسان هرکدام به شیوه‌های متفاوتی در صدد کشف ابعاد آن برآمده‌اند، اما همچنان موضوع هویت مورد توجه است و پرسش از «کیستی» سؤال‌ی جاری است. امروزه یکی از عوامل رواج این واژه، تحقق پدیده‌ای است که از آن به «بحران هویت»^۲ تعبیر

مقدمه | موضوع «هویت»^۱ یا «این‌همانی» در طول تاریخ همیشه در زندگی بشر مطرح بوده و از زوایا و رویکردهای گوناگون به آن پرداخته شده است. با اینکه بسیاری از

** نویسنده مسئول: ۰۹۱۲۳۳۴۲۹۸۶، amansoor@ut.ac.ir

بوده و کمتر به مبانی فلسفی ایرانی-اسلامی رجوع شده است. در حوزه فلسفه اسلامی و ارتباط آن با هویت، مقاله «مفهوم هویت و رویکردی فلسفی به هویت و ماهیت شهر» (واعظی و علیمردانی، ۱۳۹۷) قابل ذکر است. این مقاله به مقایسه و بیان تفاوت مفهوم هویت در فلسفه غرب و فلسفه اسلامی می‌پردازد و مؤلفه‌های هویتی از طبیعی گرفته تا انسان‌ساخت را ابزار تشدید ذات هویت می‌داند و میزان هویت‌مندی را به ریشه‌های انسانی و طبیعی محیط می‌رساند، اما در این خصوص به لحاظ وجودی موضعی اتخاذ نمی‌کند.

در ادبیات معماری و شهرسازی معاصر ایران، واژه «هویت» با کلمه «بحران» هم‌نشین است و «بحران هویت» موضوعی است که تألیفات متعددی درباره آن نگاشته شده است. از نظر پیرنیا در دوره‌ای که از آن به معماری و شهرسازی معاصر ایران تعبیر می‌شود؛ یعنی دوره پس از قاجار تا زمان حاضر، نوعی گسست در معماری و شهرسازی ایرانی اتفاق افتاده به نحوی که زنجیره تداوم و تکامل تدریجی سبک‌های قبلی، از هم گسسته است (پیرنیا، ۱۳۸۶). بهزادفر در کتاب «هویت شهر» عنوان می‌کند که امروزه به دلیل فاصله قابل توجه میان برخی مصادیق معماری و شهرسازی معاصر با نمونه‌های مشابه اصیل اسلامی، بسیاری از اندیشمندان از بروز بحران هویت در این معماری و شهرسازی سخن به میان می‌آورند (بهزادفر، ۱۳۸۷). همچنین عبدالحمید نقره‌کار در «درآمدی بر هویت اسلامی در معماری و شهرسازی» در این باره سخن می‌گوید (نقره‌کار، ۱۳۸۷). از نظر عیسی حجت: «در معماری معاصر ما، متفاوت‌بودن حرف اول را می‌زند» (حجت، ۱۳۸۶، ۸) و این امر منجر به «انفجار شکلی» شده که هرروز رنگی به رنگ‌های این لحاف چهل تکه اضافه می‌کند و بدیهی است که اصالت‌دادن به «تفاوت»، با داشتن «هویت پایدار» در تضاد قرار می‌گیرد و بی‌نظمی و آشوبی را به ارمغان می‌آورد که عرصه شهرهای معاصر را آکنده است. «این بحران که در سده اخیر به تدریج بروز کرده، ضعف عمومی ابنیه، طراحی، تقلید بی‌محتوا، آشفتگی و بی‌هویتی از شاخصه‌های بارز آن است، لذا بی‌مناسبت نیست که «بحران هویت» نامیده می‌شود» (ندیمی، ۱۳۷۰، ۲). در میان اندیشمندان اسلامی معاصر، سید حسین نصر که مبانی سنت‌گرایی در معماری امروز ایران بر پایه‌های آموزه‌های او شکل گرفته بر این موضوع تأکید می‌کند (Nasr, 1987).

روش تحقیق

این مقاله برای گریز از راهزنی گوناگونی تعاریف هویت در ساحت‌های مختلف فکری و رسیدن به کلیاتی که مشخص‌کننده حقیقت باشد، از منظر فلسفه ملاصدرا به عنوان جریان مسلط و معتبر فلسفی در ایران که ریشه هر رهنمودی

می‌شود؛ به گونه‌ای که گویی مهم نه خود هویت، بلکه بحران هویت است (ایراندوست، ۱۳۸۷). در ایران و در میانه تندباد مدرنیسم، هویت از جمله پیش‌شرط‌هایی است که به دلیل هزینه‌ها و عوارض دینی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی ناشی از بحران در آن، بسیاری از متفکران دینی، سیاسی، اجتماعی، دولتمردان و متخصصان زمینه‌های مختلف را بر آن داشته تا به آن بیندیشند.

در حوزه معماری و شهرسازی ایران، یکی از نقاط عزیمت بحث بحران هویت، مقایسه شهر امروز با شهر گذشته و نشان دادن تفاوت اساسی کالبد امروز و دیروز است. «گونه‌گونی شکل بناها و هزارچهره بودن شهر تهران از سوی برخی از منتقدان به «بی‌هویتی» معماری تعبیر می‌شود. عده‌ای در صد هویت‌بخشی به معماری برآمده‌اند و گروهی دیگر هویت را در معماری امروز امری موهومی و دست‌نیافتنی ارزیابی می‌کنند» (حجت، ۱۳۸۴). هویت شهر به اندازه‌ای در نزد اهل اندیشه معماری و شهرسازی اهمیت دارد که در حدود نوزده مفهوم برای هویت شهری شمرده شده است (پیران، ۱۳۸۴). مروری بر طرح‌های تهیه یا اجرا شده و یا مصوبات نهادهای متولی، از شورای عالی شهرسازی و معماری ایران تا شهرداری‌ها و شوراهای شهر بر مدار مسئله هویت‌بخشی، اثبات‌کننده اهمیت مسئله هویت و توجیه‌کننده هزینه‌های فراوانی است که برای حل بحران هویت در سیمای شهرهای ایران می‌شود.

پرسش پژوهش

چرا از نظر برخی متخصصان و متولیان سیمای شهری، گوناگونی و چهل تکه‌بودن چهره شهر اثبات‌کننده بی‌هویتی و وجود بحران هویت در آن است و بر چه مبنایی احراز هویت تنها در ثابت کردن دیروز در امروز ممکن است و بناکردن هویت بر یک اساس متغیر و متکثر چگونه امکان‌پذیر است؟

فرضیه

تشخیص وجود بحران در سیمای شهری تا حد زیادی به تلقی از مفهوم هویت بازمی‌گردد. به نظر می‌رسد اگر از منظر فلسفی ملاصدرا به «هویت» نگریسته شود می‌توان رأی صریح و آشکاری درباره سیال‌بودن هویت جست، به نحوی که باعث دگرگونی شکل کنونی صورت مسئله هویت و بحران آن شود.

پیشینه پژوهش

مسئله هویت شهر و سیمای شهری عمدتاً از دهه ۶۰ و ۷۰ میلادی در غرب و سپس در ایران مورد توجه قرار گرفت، از این رو بسیاری از مقالاتی که تاکنون در ایران در این زمینه نوشته شده بر مبنای یافته‌های اندیشمندان غربی در حوزه‌های طراحی شهری در قالب رویکردهای انسان‌گرایانه و جامعه‌گرایانه

هویت مرکب از جنس (وجه اشتراک) و فصل (وجه افتراق) است. چنانکه پیش‌تر گفته شد دهخدا هویت را تشخص شی، ذات و حقیقت آن می‌داند، اما مسئله با دانستن این معنا تمام نمی‌شود، بلکه آغاز بحث است، زیرا هویت در نزد فیلسوفان، گاه بر «ماهیت»^۴ و گاه بر «وجود»^۵ اطلاق می‌شود. بنابراین نباید گمان برد به‌صرف دانستن اینکه هویت، یعنی تشخص و ذات شی یا آنچه شی بدان شناخته می‌شود بحث پایان‌یافته است چون فلاسفه خواهند پرسید تشخص شی به چیست؟ آیا به «ماهیت» آن است یا به «وجود» آن؟ این پرسش کلیدی به‌اندازه‌ای اهمیت دارد که فلاسفه اسلامی را به دو گروه فلسفی بزرگ تقسیم کرده است (فلاح، ۱۳۸۳). یک گروه بر این باور هستند که تشخص هر چیزی به «ماهیت» آن است؛ یعنی تشخص مساوی است با ماهیت و از این‌رو به «اصالت ماهیتی» شناخته شده‌اند و تا پیش از ملاصدرا جریان غالب فلسفی بودند و گروه دیگر تشخص شی، حقیقت و ذات آن را به «وجود» دانسته، تشخص را با وجود مساوی گرفته و از همین‌رو به «اصالت وجودی» معروف شده‌اند.

• اصالت ماهیت یا وجود

تبیین «اصالت وجود» در مقابل «اصالت ماهیت» از ابتکارات فلاسفه اسلامی است. تا زمان ملاصدرا فلاسفه از دوران یونان، طرفدار «اصالت ماهیت» بودند، اما ملاصدرا این موضوع را در صدر مباحث هستی‌شناسی مطرح کرد به‌نحوی که پس از او، اکثر فلاسفه اسلامی طرفدار «اصالت وجود» بوده‌اند (مطهری، ۱۳۶۹، ۶۰). اما از بین وجود و ماهیت کدام‌یک به واقعیت یگانه اشیا اشاره دارد و آیا واقعیت و عینیت، مابه‌ازای مفهوم وجود است یا ماهیت (سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، ۱۳۹۷). باوجود آنکه هرچیز دارای یک ماهیت و یک وجود است، اما می‌دانیم که از لحاظ تحقق خارجی فقط یک چیز است و نمی‌تواند بیش از یک چیز باشد. مثلاً ما در برابر خود فقط درخت یا انسان یا ساختمان را می‌بینیم نه وجود درخت و خود درخت یا وجود انسان و خود انسان؛ چون هر شی خارجی یعنی شی متحقق و موجود فقط یک چیز است نه دو چیز، پس یا تحقق اشیا با ماهیات آنهاست، یا با وجود آنها. و یکی از آن دو «اصالت» دارد و دیگری سایه آن است و ذهن فعال انسان آنها را از آن دیگری انتزاع می‌کند.

به‌عنوان دلیل فلسفی کافی است به این نکته توجه کنیم که ماهیت، همیشه با موجودیت حقیقی و خارجی و آثار آن همراه نیست، زیرا حقیقت هرچیز، آن است که دارای اثر آن چیز باشد و اثر اشیا همواره از وجود آنها برمی‌خیزد. بسیاری ماهیات که در ذهن و نوشتار و گفتار ما ظاهر می‌شوند مخلوق ذهن ما هستند و اثر موجود خارجی را ندارند؛ پس هنوز «تحقق» نیافته‌اند. ملاصدرا استدلال می‌کند که وقتی ماهیت با وجود، «تلازم دائمی» نداشته باشد، چگونه می‌توان

را در «وجود» جستجو می‌کند، به پاسخ پرسش پژوهش می‌پردازد. در این مقاله به روش پژوهش کیفی، شرح و تفسیر نظرات ملاصدرا در خصوص «اصالت وجود» و حرکت جوهری که از زمان وی تاکنون نحله فلسفی غالب در ایران است در منابع مکتوب باهم تطبیق داده‌شده و از طریق استنتاج فلسفی به موضوع هویت پرداخته می‌شود.

مبانی نظری

• تعریف هویت و پارادوکس آن

«هویت» کلمه‌ای عربی و مشتق از «هُوَ» ضمیر مفرد مذکر غایب بوده که دارای دو معنای اصلی «تشابه» مطلق و «تمایز» است (محرمی، ۱۳۸۳، ۶۶). از نظر دهخدا واژه هویت به معنی «تَشَخُّص» است؛ تشخصی که گاه بر وجود خارجی و گاه بر ماهیت با تشخص اطلاق می‌شود (لغت‌نامه دهخدا، ۱۳۷۷، ذیل مدخل «هُوِّیت»). در زبان فارسی برای مابه‌ازای کلمه هویت واژه «این‌همانی» برگزیده شده است. در زبان‌های غربی Identity فرانسو و Identity انگلیسی که در زبان لاتین با Identitas مشخص شده برابر با هویت در زبان عربی است. Identity دو معنای اصلی دارد: معنای اول، تشابه مطلق را بیان می‌کند و معنای دوم تمایز است که با مرور زمان، سازگاری و تداوم را فرض می‌گیرد. بنابراین مفهوم هویت (به معنای اصطلاحی آن) میان اشیا و افراد دو نسبت محتمل را برقرار می‌کند: از یک‌طرف شباهت و از طرف دیگر تفاوت (جنکینز، ۱۳۹۱، ۵). در مجموع می‌توان گفت آنچه در منابع لغوی فارسی، عربی و لاتین درباره هویت دیده می‌شود عمدتاً پیرامون مفاهیم «تشابه» و «تمایز» و همچنین «تشخص» گردآمده است. بخشی از اختلاف در تعریف هویت به همین ماهیت پارادوکسیکال آن بازمی‌گردد، یعنی اینکه از سویی این واژه بیانگر استمرار و تداوم^۳ تاریخی است و از سوی دیگر همواره در معرض فرایند بازتعریف و بازتولید است و همین باعث می‌شود ارائه تعریف جامع و مانع از آن دشوار باشد (افروغ، ۱۳۸۷). این پارادوکس باعث شده در گستره وسیع استفاده از این واژه در زمینه‌های فکری مختلف، از نظر برخی اندیشمندان نتوانیم درست و دقیق بگوییم واژه‌ای که استفاده می‌کنیم به چه چیزی اشاره دارد.

• «هویت» به‌مثابه یک موضوع فلسفی

دیدیم که واژه Identity یا هویت در زبان لاتین دارای دو معنای اصلی است: معنای اول آن بیانگر مفهوم تشابه مطلق و معنای دوم آن به مفهوم تمایز که با مرور زمان، سازگاری و تداوم را فرض می‌گیرد. بنابراین، مفهوم هویت به معنای اصطلاحی آن در میان اشیا و افراد دو نسبت محتمل را برقرار می‌کند: از یک‌سو شباهت و از سوی دیگر تفاوت؛ تشابه به درون (خود) و تمایز از برون (دیگری). به‌عبارت‌دیگر و به بیان فلسفی،

کشش‌وار بودن حرکت، وحدت شخصی را از آن نمی‌گیرد. تمام موجوداتی که امتداد (بُعد داشتن) آمیخته با هویت آنهاست، موجودیتی پخش و گسترده دارند؛ اما این پخش و گستردگی، وحدت شخصیت را از آنها سلب نمی‌کند و آنها را دچار «تعدد شخصیت» نمی‌کند (همان، ۲۷). به عبارت دیگر سؤال از اینکه در حرکت جوهری، «خود شی» چه می‌شود سؤالی است برخاسته از نگرش اصالت‌ماهیتی. خود شی بنابر «اصالت وجود»، وجود شی، و حرکت نیز نحوی از وجود شی است و از این لحاظ در «حرکت جوهری» خود شی همان وجود متحرک است، نه چیزی که آن چیز در حرکت است. حال که چنین است، نوشتن اعراض جز از طریق نوشتن جوهر میسر نیست؛ نوشتن پیوسته و متصل و سازگار با حفظ تشخیص شی.

بحث

• هویت «ماهوی» و هویت «وجودی» سیمای شهری

نتیجه مقدمات فلسفی فوق این است که به‌طور کلی اگر «هویت» شهر را به «ماهیت» یا چستی آن نسبت دهیم، لوازم و پیامدهایی، و اگر آن را به «وجود» یا کیستی آن ارجاع دهیم، لوازم و پیامدهایی متفاوت و حتی متقابل خواهد داشت. در صورت باور به اصالت‌ماهیت (شکل، مصالح، رنگ) و جایز ندانستن حرکت در جوهر، و اعتقاد به حرکت صرفاً در عَرَض، هویت، حقیقتی ماهیتی، ثابت و ایستا خواهد بود. اما در صورتی که به «اصالت وجود» صدایی رسیده و «حرکت جوهری» را باور داشته باشیم، هویت را حقیقتی وجودی و متغیر و سیال ادراک خواهیم کرد. بنابراین می‌توان دو تلقی از هویت ارائه کرد: یکی ماهوی، ثابت و ایستا و دیگری وجودی، متغیر و سیال. داوری بین این دو به داوری بین دو مکتب «اصالت وجود» و اصالت‌ماهیت موقوف است. بنابراین برای اینکه بتوان از هویت سخن گفت لازم نیست برای آن دو بخش ثابت و متغیر فرض کرد، بلکه با متصل و پیوسته دانستن تغییر می‌توان در عین حال که هویت را ذاتاً و تماماً سیال و متغیر دانست و دیگر دل‌نگران گسست «این» از «همان» که به عنوان یک پارادوکس در مفهوم هویت بیان شد، نبود. با پذیرش «اصالت وجود» در مقابل «اصالت‌ماهیت» به‌راحتی می‌توان گفت زمانی دچار مشکل هویتی خواهیم شد که ثبات و ایستایی به ما روی بیاورد، نه آنکه تغییر کنیم و یا در تغییر باشیم. این در حالی است که مشکلات هویتی عمدتاً در تغییر دانسته می‌شود نه در ثبات (فلاح، ۱۳۸۳) (جدول ۱). آنچه باید مدنظر قرار داد این است که اتخاذ دیدگاه اصالت‌الوجودی لزوماً به این معنا نیست که احراز هویت یا ادراک تشخیص، در ثبات شی امکان‌پذیر نیست، بلکه موضوع «اصالت» داشتن ماهیت یا وجود است که پیامدهای متفاوتی با خود می‌آورند. روشن است که

آن را عامل هستی اصلی موجودات خارجی دانست؟ اما عملاً، می‌بینیم که وجود حقایق خارجی، نه ذهنی، بر روی پای خود ایستاده و برای «موجودیت» و تحقق نیاز به «وجود» دیگری ندارد؛ زیرا هستی برای او «عَرَض» نیست بلکه برای او یک «ذاتی» است که نمی‌شود از آن جدایی داشته باشد. در واقع وجود برای ماهیت عَرَض نیست، بلکه ماهیت است که همچون قالبی ذهنی و لباس زبانی و عرفی بر روی «موجود» و «متحقق» خارجی پوشانده می‌شود. با نگاهی دیگر به مسئله ماهیت و وجود، ملاصدرا می‌گوید: ما گاهی ماهیتی را تصور می‌کنیم منهای وجود (مثلاً ققنوس که در ذهن قابل‌تصور است اما وجود خارجی ندارد)، یعنی از وجود خارجی آن غفلت داریم (درحالی‌که درباره وجود این‌طور نیست)، یعنی ماهیت به‌گونه‌ای نیست که همواره با تحقق در خارج ملازم و همراه باشد؛ پس «این وجود است که اصل در تحقق اشیا و موجودات است» (همان). حال که در دو گانه ماهیت و وجود به اصالت وجود رسیدیم، باید ببینیم تغییرات یا به عبارت فلسفی؛ حرکت در وجود شی (در اینجا سیمای شهری) چگونه صورت می‌گیرد که تشخیص یا هویت آن با تغییر ماهیت (شکل، رنگ، مصالح) همچنان حفظ می‌شود.

• حرکت جوهری

هر حرکت یا تغییر، بدین‌گونه صورت می‌گیرد که شی از حالتی که هم‌اکنون در آن است درآید و به تدریج به حالتی که بدان می‌تواند دست یابد برسد. سبب کالی که می‌تواند پخته شود، نوجوانی که می‌تواند به پیری برسد و نهالی که می‌تواند درختی تنومند شود، هرگاه تدریجاً و اتصالاً نه دفعتاً و ناگهان، حالت نخستین خود را ترک گوید می‌توان گفت که حرکت کرده‌اند. پس در هر حرکت، شی متحرک به تدریج و اتصالاً چیزی را ترک می‌گوید و چیزی را بازمی‌یابد. این زوال و حدوث مستمر است که طبیعت حرکت را تشکیل می‌دهد (سروش، ۱۳۹۳، ۲۶). امتداد داشتن حرکت و جسم و زمان نشان می‌دهد که این امور در ذات خود ممتد هستند و امتداد، لازمه هویت و حقیقت آنهاست. شخصیت این‌گونه موجودات، شخصیتی است که وحدتش با کثرتش آمیخته است. یک قطعه از حرکت، در عین اینکه به اجزای بسیار قابل‌تقسیم است، اما این اجزای بسیار، بالفعل در آن وجود ندارند و فقط می‌توان گفت که می‌توانند به وجود آیند. یعنی وحدت حرکت، وحدتی است موجود و محقق، اما کثرتش کثرتی است بالقوه و نهفته. بنابراین وقتی یک حرکت داریم، واقعاً یک موجود در پیش خود داریم نه حرکت‌های متعدد و نه سکون‌های متوالی. وحدت حرکت، وحدتی است اتصالی و این وحدت اتصالی، عین وحدت شخصی است. به سخن دیگر، وقتی یک قطعه حرکت را در پیش‌روی داریم چه دست بر مبدأ آن بگذاریم و چه بر مقصد آن، در هر دو حال دست بر یک موجود نهاده‌ایم.

رویکرد	موضوع	نحلهٔ فلسفی غالب	مشخصهٔ هویت	شرط بروز بحران
اصالت‌ماهیتی	چیستی	از یونان تا پیش از ملاصدرا	ثابت، ایستا	تغییر، سیالیت
اصالت‌الوجودی	کیستی	از ملاصدرا تا کنون	متغیر، سیال	ثبات، ایستایی

سیمای شهر به سامان شود، هویت نیز به شهر بازمی‌گردد. اما اگر تشخص شی (یا هویت آن یا حقیقت و ذات آن) را به وجود شهر بدانیم و «حرکت جوهری» را چنانکه در حکمت صدرایی تبیین می‌شود بپذیریم، نگرانی از گم‌شدن شی نخواهیم داشت و در صورت بروز بحران واقعی راه‌حل آن را در امور معرفتی جستجو خواهیم کرد. در جریان تغییر و حرکت موجودات هرچند پیچیده مثل شهر، «هویت» آنها از بین نمی‌رود و از رهگذر حرکت، هویت جدید حاصل نمی‌شود، به شرطی که حرکت آن پدیده امری تدریجی و اتصالی (پیوسته) باشد. شی متحرک دمامد هویت نوینی می‌یابد و از مرز پیشین هستی خود فراتر می‌رود، اما و هزار اما، این هویت‌های نوین به دلیل اتصال و پیوستگی (تداوم) وجودی، یک هویت شخصی واحد تشکیل می‌دهند (ایراندوست، ۱۳۸۷). اینکه امروزه، «بودن» و «شدن» را در مقابل هم می‌نهند و «بودن» را به معنای سکون و ماندن و بقای بر هویت و «شدن» را به معنای دگرگونی و حرکت می‌گیرند، سخنی مسامحه‌آمیز است. «بودن» معادل «ماندن» نیست، بلکه «شدن» خود نوعی «بودن» است. بودن و شدن قابل جمع است. عبدالکریم سروش در کتاب «نهاد ناآرام جهان» می‌گوید: «نزد ملاصدرا «بودن» بر دو گونه است: بودن ثابت و بودن سیال. بدین سبب چنین نیست که وجود داشتن و خودی و شخصیت خود را حفظ کردن با شدن و تغییر منافات داشته باشد. موجودات سیال، «خود» شأن و بودنشان، عین دگرگون‌شدنشان است» (سروش، ۱۳۹۳، ۳۰).

در موضوع سیمای شهری، پذیرش حرکت در جوهر شهر و اصالت‌دادن به وجود در مقابل ماهیت، هویت را از وجود پارادوکس شباهت و تمایز در تعریف می‌رهاند و گرانیگاه بحث دربارهٔ وجود یا عدم وجود بحران در هویت سیمای شهری را به جایی می‌برد که در آن، هویت قابل تقلیل به چیستی یا شکل و کالبد نیست. اینکه احراز هویت در ثبات‌طلبی ممکن است، مبنای فلسفی قابل دفاعی ندارد، به این معنا که لازم است هویت خود را با ویژگی‌هایی ذاتاً متغیر، روان و جاری تعریف کنیم. می‌دانیم که سیالیت و پویایی به قالب شکل‌گرایی در نمی‌آید، زیرا شکل‌گرایی نماد ثبات‌طلبی است. بنابراین باید آن را در حیطة مفاهیم

حفظ کالبد سنتی یک شهر تاریخی در زمانهٔ اکنون، هویت و تشخص آن را به بیننده القا می‌کند اما تالی این نوع از حفاظت، تقلیل هویت به شکل و ستاندن پویایی از آن است. به عبارت دیگر تبیین ملاصدرا از «حرکت جوهری» نشان می‌دهد که با متصل و پیوسته بودن حرکت، دیگر پارادوکس شباهت و تفاوت در عین تداوم در تعریف هویت وجود نخواهد داشت. از این منظر، هویت امری متصلب و ثابت نیست، بلکه همواره از نو ساخته می‌شود (بشیریه، ۱۳۸۳) و امری انباشتی و تراکمی است که در فرایند زمان شکل گرفته و در طول تاریخ تغییر و تحول پیدا می‌کند (ن.ک. جدول ۱).

• بحران هویت سیمای شهری

در پیشینهٔ پژوهش اشاره شد که از نظر برخی متخصصان معماری و شهرسازی به دلیل فاصلهٔ قابل توجه میان برخی «مصادیق معماری و شهرسازی» معاصر با نمونه‌های مشابه اصیل اسلامی، وضعیت بحران در هویت تشخیص داده می‌شود. بورهان غلیون^۶ اندیشمند سوری، همین را به نحوی دیگر بیان می‌کند: «بحران هویتی که در دنیا با آن روبه‌رو هستیم به دلیل ازدست‌دادن نشانه‌های هویت توده‌های مردمی است که فرهنگ‌های ایشان قادر به حفظ خود در عرصه‌های رقابت جهانی در برابر رسانه‌های بزرگ که فارغ از مرزهای جغرافیایی حضور خود را به کشورها تحمیل می‌کنند، نیستند». اما این تصویر از بحران نشان نمی‌دهد که مصادیق معماری و شهرسازی اصیل اسلامی آیا مصداق‌های صلب و ثابتی هستند؟ آیا «نشانه‌های هویت توده‌های مردمی» که قادر به حفظ خود نیستند، نشانه‌های ایستا هستند یا سیال؟ چرا باید گمان کرد که باید حفظ شوند تا اگر حفظ نشدند، بحران تولید شود؟ (فلاح، ۱۳۸۳). از منظر فلسفهٔ ملاصدرا تحلیل این‌گونه برداشت به روشنی نشان می‌دهد که خاستگاه فکری آن اصیل‌دانستن ماهیت در مقابل وجود است که به‌طور طبیعی از ملاحظهٔ تغییر در نشانه‌های کالبدی شهر یا به عبارت دیگر دگرگونی در سیمای شهری، بحران در هویت شهر برداشت می‌شود.

اینکه هرگاه سخن از بحران هویت شهر معاصر ایرانی می‌رود، در ذهن مدیران شهری به صورت خودکار راه‌حل آن عملیاتی و عینی و در ساماندهی شکلی کالبد جستجو می‌شود، خروجی باور نداشتن به پویایی هویت است. گویی اگر

نتیجه‌گیری

اگر از نظرگاه ملاصدرا به هویت سیمای شهری بنگریم، رویکرد به هویت به مثابه یک امر وجودی و یا ماهیتی الزامات و تبعات متفاوتی دارند. در اولی، هویت با سیالیت و پویایی همساز است اما در دومی، هویت در ثبات جستجو می‌شود. در نگاه ماهیت‌گرا، گذشته و حال سیمای شهری معاصر به دلیل دگرگونی در چیستی یا کالبد دچار گسست شده و نیافتن نسبت شکلی بین مصادیق این دو، نشانه بحران دانسته می‌شود؛ اما در نگاه وجودی که در آن نه ویژگی‌های فرم و کالبد بلکه صفات وجودی اصالت دارد، تغییر در چیستی، هویت یا کیستی شهر و سیمای شهری را بحران زده و دچار گسست نشان نمی‌دهد. اگر در طول تاریخ کیستی به عنوان مثال شهر تهران محصول ادیان، اسطوره‌ها و اتفاقات فرهنگی است، چیستی آن چگونگی پاسخ به این اتفاقات معنایی در قالب شکل شهر تهران است. بحران در هویت به معنای وجودی آن وقتی رخ می‌دهد که به عنوان مثال مفهوم تکثر یا حق‌مداری به همان دلایل فرهنگی، دینی یا اسطوره‌ای از ذهن ایرانی کنار گذاشته شود (جدول ۲). در نگاهی که اصل را بر ثبات و عدم تغییر می‌نهد هویت با ویژگی‌های ظاهری سنجیده می‌شود که هرچند قابل اندازه‌گیری و سنجش است، یکسره استعداد و توان تحول و دگرگونی را از آن می‌ستانند. شکل‌گرایی، آشکارترین نتیجه ثبات‌طلبی است. به همین دلیل خروج از شکل‌گرایی بحران دانسته می‌شود.

هویت سیمای شهری زمانی از دست می‌رود که به عنوان مثال در آن وجه تقلید بدون حجت وجه قالب باشد. یعنی فی‌المثل، ارجاع به مفاهیم بیگانه از فرهنگ خودی می‌تواند باعث گسست و بی‌هویتی سیمای شهری شود. به عبارت دیگر امکان از دست رفتن هویت وجود دارد اما این گم‌شدن زمانی رخ می‌دهد که دگرگونی کلی در عرصه ذهن یا حوزه مفاهیم و صفات وجودی رخ بدهد و نه لزوماً و تنها در عرصه عینیت شهر.

وضع موجود مدیریت سیمای شهری معاصر ایران نشان‌دهنده یک شکاف است؛ اینکه تفکر «اصالت وجودی» علی‌رغم داشتن سیطره علمی و دانشگاهی، در لایه‌های روبنایی مثل مدیریت شهری جایگاهی ندارد. در این جایگاه‌ها، اصالت همچنان به چیستی یا چگونگی سیمای شهری است و راه‌حل بحران در آن، بازگرداندن سیمای شهر به اشکال از پیش تعیین شده و یا تاریخی از طریق اعمال ظواهر مدرنیستی یا سنت‌گرایانه دانسته می‌شود. پذیرش صفات وجودی به عنوان عامل هویت‌بخش، دست‌کم به لحاظ اجرایی می‌تواند هزینه‌های هنگفتی را که مدیریت شهری امروز به اشتباه صرف بازگرداندن شکل‌های شهر به فرم گذشته می‌کند به جیب مردم بازگرداند.

جستجو کرد. تکیه بر مفاهیم است که به ما کمک می‌کند به جای تأکید بر داشته‌ها بر آنچه می‌توان داشت تأکید بورزیم. یعنی در سیمای شهری تهران، به جای اینکه هویت در اشکال خاص، رنگ‌های معین و مصالح از پیش تعیین شده جستجو شود، با صفاتی همچون تکثر، انسانی‌بودن، نظم و حق‌مداری تعریف شود. به بیان ادبی، به جای تمسک به اسامی ذات مثل سنگ، شیشه، بتن که وجودشان قائم به خودشان است و معمولاً به حواس درمی‌آیند، از اسامی معنی و صفاتی مثل انسان‌واری، محرمیت، نظم و حق‌پذیری که وجودشان قائم به دیگری است و همواره جاری و روان هستند استفاده کرد. در حالت اول یعنی تعریف هویت با رنگ و شکل و مصالح، همواره احساس بحران هویت همراه ما خواهد بود. با پذیرش اندیشه «اصالت وجودی» و «حرکت جوهری» می‌توان گفت، اگر ماهیت درباره «چیستی» شی سخن می‌گوید، هویت تبیین‌کننده «کیستی» آن است. اگر چیستی یا ماهیت توضیح‌دهنده تغییراتی است که در طبیعت شی روی می‌دهد، با عنایت به نقش زمان در «حرکت جوهری»، کیستی در تحولاتی شکلی می‌گیرد که تاریخی‌بودن نقش مهمی در آن ایفا می‌کند. به عبارت دیگر هویت یا کیستی در بستر زمان همواره در حال شدن است. نکته‌ای که نباید از ذهن دور داشت این است که «زمان و حرکت رابطه‌ای نزدیک و ناگسستنی دارند و بدون زمان هیچ حرکتی تحقق پیدا نمی‌کند چنانکه تحقق زمان بدون وجود نوعی حرکت و دگرگونی پیوسته و تدریجی امکان ندارد چه اینکه گذشت اجزای پی‌درپی زمان، خود نوعی دگرگونی تدریجی حرکت برای شی زمان‌دار است» (مصباح، ۱۳۷۷، ۱۸۵). بدین ترتیب زمان با حرکت در جوهر تلازم دارد. حال اگر هویت را امری وجودی بدانیم، بدیهی است که نسبتی بین هویت و زمان برقرار است. نکته ظریفی که در اینجا باید به آن اشاره شود این است که در امور وجودی مثل «هویت»، هر قدر

زمان سکونت این مفاهیم (مثل نظم، عدالت، حق‌مداری)، که نمادی از جنس وجود دانسته می‌شوند در شی بیشتر باشد، به همان نسبت می‌توان آن را با هویت‌تر دانست. به عنوان مثال در سیمای شهر تهران هر قدر یک مفهوم هویتی که می‌تواند به اشکال یا ماهیت‌های مختلف در شی نمایش داده شود زمان بیشتری در آن ساکن باشد، می‌توان گفت به همان میزان عامل هویت‌مندی بیشتر آن باشد. به همین ترتیب می‌توان گفت که هویت سیمای شهری وقتی از دست می‌رود که در آن وجه تقلید بدون حجت، وجه قالب باشد. مثلاً ارجاع به مفاهیم بیگانه از فرهنگ خودی می‌تواند باعث گسست و بی‌هویتی سیمای شهری شود.

جدول ۲. مقایسه الزامات و تبعات دو رویکرد وجودی و ماهیتی به سیمای شهری براساس فلسفه اصالت وجود ملاصدرا. مأخذ: نگارندگان.

مبنای فلسفی نگرش به سیمای شهری	معیار هویت	مبنای درجه هویت‌مندی سیمای شهری	نوع بحران	دلایل بروز بحران	راه حل بحران
اصالت وجود	صفات وجودی مثل تکرر، حق‌مداری، انسان‌واری، نظم، عدالت	زمان ملازمت صفت وجودی با آن	ذهنی	فرهنگی، دینی، اسطوره‌ای	معرفتی
اصالت ماهیت	صفات فرم مثل رنگ، مصالح، شکل	زمان گذشته بر آن	عینی	هر نوع تغییر در فرم	غیرمعرفتی

پی‌نوشت‌ها

* این مقاله مستخرج از رساله دکتری «رضا کسروی» با عنوان «رویکرد منظرین به بحران آشفته‌گی سیمای شهری تهران» است که به راهنمایی دکتر «سیدامیر منصوری» و دکتر «ناصر براتی»، در تیرماه سال ۱۳۹۹ در دانشکده معماری دانشگاه تهران دفاع شده است.

۱. Identity

۲. Continuity

۳. Quiddity

۴. Being

۵. هر شی خارجی را می‌توان دارای دو بخش دانست: یکی «هستی»، چون می‌بینیم که حضور دارد و هست، دیگری خصوصیات آن و آن را در تعریف آن و در پاسخ به سؤال «آن چیست؟» می‌گویند و نام آن «ماهیت» است. کلمه «ماهیت» یا «چیستی» در مقابل «وجود» و «هستی» می‌آید. همه اشیا واقعی در جهان، در ذهن ما به دو جزء تحلیل می‌شوند که در یک قضیه منطقی، یک جزء بر جزء دیگر حمل می‌شود. جزء اول همان مفاهیم متعددی است که ما از اشیا خارجی داریم و این مفاهیم را موضوع قضیه قرار می‌دهیم مثل درخت، قلم، کوه ... و جزء دوم مفهوم هستی یا وجود است که امری ذهنی و نقطه‌مقابل مفهوم «عدم» است.

۶. Burhan Ghalioun

فهرست منابع

- ایراندوست، محمدحسین. (۱۳۸۷). هویت از نگاه فیلسوفان. پژوهشنامه پژوهشکده تحقیقات استراتژیک، (۱۹)، ۹-۳۲.
- افروغ، عماد. (۱۳۸۷). هویت ایرانی. تهران: مؤسسه توسعه دانش و پژوهش ایران.
- بشیریه، حسین. (۱۳۸۳). توسعه سیاسی و بحران هویت ملی، گفتارهایی درباره هویت ملی در ایران. گردآوری و تدوین: داود میرمحمدی. تهران: مؤسسه مطالعات ملی/ تمدن ایرانی.
- بهزادفر، مصطفی. (۱۳۸۷). هویت شهر. تهران: مؤسسه نشر شهر.
- پیران، پرویز. (۱۳۸۴). هویت شهرها: غوغای بسیار برای مفهومی پیچیده. آبادی، (۴۸)، ۶-۹.
- پیرنیا، محمدکریم. (۱۳۸۶). سبک‌شناسی معماری ایرانی. تدوین غلامحسین معاریان. چاپ پنجم، تهران: سروش دانش.
- جنکینز، ریچارد. (۱۳۹۱). هویت اجتماعی (ترجمه تورج یاراحمدی). تهران: پردیس دانش.
- حجت، عیسی. (۱۳۸۴). هویت انسان‌ساز، انسان هویت‌پرداز (تأملی در رابطه هویت و معماری). هنرهای زیبا، ۲۴، ۶۲-۵۵.
- حجت، عیسی. (۱۳۸۶). تهیه و تدوین مواد درسی و محتوای آموزش‌های عمومی معماری و شهرسازی برای چاپ در کتب درسی مقاطع مختلف تحصیلی. پروژه تحقیقاتی وزارت مسکن و شهرسازی، مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی، گزارش مرحله دوم.
- سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی. (۱۳۹۷). فلسفه (آشنایی با فلسفه اسلامی). پایه دوازدهم دوره دوم متوسطه.
- سروش، عبدالکریم. (۱۳۹۳). نهاد ناآرام جهان. تهران: صراط.
- فلاح، رستم. (۱۳۸۳). هویت؛ واقعیتی ثابت یا سیال. مبانی نظری هویت و بحران هویت. به اهتمام علی‌اکبر علیخانی. تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی، مرکز مطالعات و تحقیقات سیاسی وزارت کشور، ۴۵-۱۹.
- لغت‌نامه دهخدا. (۱۳۷۷). علی‌اکبر دهخدا زیر نظر محمد معین و جعفر شهیدی. تهران: دانشگاه تهران.
- محرمی، توحید. (۱۳۸۳). هویت ایرانی-اسلامی ما در هویت ایران. تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.
- مصباح، محمدتقی. (۱۳۷۷). آموزش فلسفه. جلد دوم، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۶۹). شرح مبسوط منظومه. جلد اول، تهران: نشر حکمت.
- ندیمی، حمید. (۱۳۷۰). مدخلی بر روش‌های آموزش معماری، ص ۱، ۱۳-۴.
- نقره‌کار، عبدالحمید. (۱۳۸۷). درآمدی بر هویت اسلامی در معماری و شهرسازی. تهران: پیام سیما.
- واعظی، مهدی و علیمردانی، مسعود. (۱۳۹۷). مفهوم هویت و رویکردی فلسفی به هویت و ماهیت شهر. باغ نظر، (۶۲)، ۱۵-۴۷.
- Nasr, S.H. (1987). *Islamic Art and Spirituality*. New York: New State University of New York Press.

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the authors with publication rights granted to Manzar journal. This is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله

کسروی، رضا؛ منصوری، سیدامیر و براتی، ناصر. (۱۳۹۹). رویکرد اصالت‌الوجودی به هویت سیمای شهری. منظر، (۵۲)، ۳۸-۴۵.



DOI: 10.22034/manzar.2020.235266.2073

URL: http://www.manzar-sj.com/article_113348.html